

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره مبارکه بروج، ۸ شوال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (۱) وَ الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ (۲) وَ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ (۳) قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ (۴) النَّارِ ذَاتِ
الْوُقُودِ (۵) إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ (۶) وَ هُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ (۷) وَ مَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا
بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۸) الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۹) إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا
لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَ لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ (۱۰) إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ (۱۱) إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ (۱۲) إِنَّهُ هُوَ
يُبْدِئُ وَ يُعِيدُ (۱۳) وَ هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ (۱۴) ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ (۱۵) فَعَالَ لِّمَا يُرِيدُ (۱۶) هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ
الْجُنُودِ (۱۷) فِرْعَوْنَ وَ ثَمُودَ (۱۸) بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ (۱۹) وَ اللَّهُ مِنْ وَّرَائِهِمْ مُحِيطٌ (۲۰) بَلْ هُوَ
قُرْءَانٌ مَجِيدٌ (۲۱) فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ (۲۲)

معرفی اجمالی سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (۱)

قسم به آسمانی که دارای بروج هست. ما در فارسی برج را بکار می‌بریم. برج،

ساختمان‌های استوانه‌ای شکل که اطراف قلعه‌ها قرار می‌دهند، می‌گویند برج و بارو. برج ساختمانی استوانه‌ای هست که می‌شود از آن دیده بانی کرد و از دور هم دیده می‌شود. ویژگی برج این است که نشاندهنده استحکام و شرایط محافظتی هست ولی ویژگی خاص آن این هست که از بالای آن می‌توان جاهای دور را دید. از طرفی می‌توان آن را از دور هم دید.

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ﴿٢﴾

وقسم به روز قیامت که اسم آن را یوم موعود گذاشته است. روزی که وعده داده شده است.

وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ﴿٣﴾

جالب است که خود برج شاهد و مشهود هست، قیامت هم شاهد و مشهود است یعنی برای ما مشهود است، خدا وعده داده و ما روز قیامتی که پیش رویمان هست را می‌بینیم و کسی بخواهد حقیقت وجود ما را هم ببیند، باید از زاویه روز قیامت ببیند.

قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ﴿٤﴾

جواب این قسم‌ها هست. اخدود یعنی گودال مستطیل شکل.

اصحاب اخدود ماجرای تلخ و از منظری دیگر باشکوه دارد. مردمی مسیحی قبل از اسلام در یک حکومت ظالم مستقر بودند و آن‌ها این افراد مومن را تحت فشار قرار می‌دهند تا دینشان را ترک کنند و تهدیدشان می‌کنند که اگر ایمانتان را کنار نگذارید، شما را در آتش می‌سوزانیم و گودالی پر از آتش درست می‌کنند. مومنین ایمانشان را کتمان نمی‌کنند و آن‌ها این افراد با ایمان را در آتش می‌سوزانند. آن مومنین عاقبت به خیر و بهشتی می‌شوند و خاطره آن‌ها در قرآن به عنوان مومنین ثابت قدم ثبت می‌شود.

در این سوره بحث شهود و شهادت خیلی مهم است.

النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ ﴿٥﴾

اخدود، آتش هیزم دار

إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ﴿٦﴾

هنگامی که کنار آن آتش نشسته بودند.

وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ﴿٧﴾

آن‌ها خودشان کاملاً شاهد بودند که دارند با مومنین چه کار می‌کنند.

وَمَا نَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٨﴾

علت اینکه از مومنین بدشان می‌آمد فقط این بود که آن‌ها ایمان داشتند که خدا عزت دارد، شکست ناپذیر است و شایسته ستایش است. این‌ها می‌خواستند عزت و ستودنی بودن خدا را زیر سوال ببرند که نتوانستند.

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٩﴾

خدایی که آن‌ها ایمان داشتند، خدایی هست که ملک آسمان‌ها و زمین برای اوست. آن‌ها به خدایی ایمان داشتند که بر همه چیز شاهد است. یعنی شاهد و مشهودی که اول سوره قسم خورد و خود اصحاب اخدود که شهود داشتند که با مومنین چه کار می‌کنند ولی یک خدایی هست که بر همه چیز شاهد و گواه هست.

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ﴿١٠﴾

کسانی که مومنین و مومنات را دچار فتنه کنند یعنی کاری کنند که دچار اضطراب شوند و بعد از آن توبه نکنند، عذاب جهنم و عذاب آتش در انتظار آن‌هاست.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ﴿١١﴾

برای مومنینی که عمل صالح انجام می‌دهند، بهشت‌هایی هست که زیر آن رودهایی جاری است. برای اینکه کسی شک نکند و بگوید خب که چی؟ خداوند تاکید می‌کند که پیروزی بزرگ، پیروزی اصلی و اساسی این هست. به جز این بهشت که زیر آن رودها جاری هست، کسی پیروزی بزرگتر پیدا نمی‌کند.

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿١٢﴾

در قسمت دوم سوره تا آیه ۱۶ برخی صفات خدا را بیان می‌کند.

خداوند بطش شدید دارد یعنی اگر بنا به قهر و غلبه باشد خداوند به شدت برخورد می‌کند.

إِنَّهُ هُوَ بَیِّدٌ وَيُعِيدُ ﴿١٣﴾

اوست که همه چیز را ایجاد می‌کند و برمی‌گرداند. شروع کردن و بازگرداندن با اوست.

وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ﴿١٤﴾

اوست که می‌آمرزد و آثار به جا مانده از آن را پاک می‌کند و مهربان هست و دوستدار بنده‌هایش هست.

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ﴿١٥﴾

صاحب عرش مجید است. صاحب عرش یعنی اینکه اداره امور عالم کاملاً به دست اوست و او دارای مجد و شکوه و بزرگی است. در گستره همه عالم و در بالاترین سطح عالم او عظمت دارد.

فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٦﴾

برای هر چیزی که اراده کند، فعال است و آن را انجام می‌دهد.

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ﴿١٧﴾

در قسمت آخر سوره می‌فرماید آیا خبر لشکریان به تو رسید؟

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ﴿١٨﴾

لشکریان فرعون و لشکریان ثمود. این‌ها خیلی قدرتمند بودند. خدا با آن‌ها چه کرد؟

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ﴿١٩﴾

ولی این‌ها فایده ندارد این‌ها کسانی هستند که کفر ورزیدند و اصرار در تکذیبشان دارند و گوششان به این حرف‌ها بدهکار نیست.

وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ﴿٢٠﴾

درحالی‌که خدا کاملاً آن‌ها را احاطه کرده و آن‌ها نمی‌توانند از قدرت خداوند خارج شوند.

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ ﴿٢١﴾

علت اینکه آن‌ها این حقایق را نمی‌پذیرند این است که آن‌ها این قرآن را قبول ندارند درحالی‌که این قرآن مجید است. همانطور که خداوند ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ بود، اداره امور عالم دستش هست و مجد دارد، این قرآن هم مجید و باشکوه و باعظمت و دارای مراتب بالای جلال و جبروت است.

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ﴿٢٢﴾

این قرآن در یک لوح محفوظ است، هیچ باطلی به آن راه ندارد. حقایقش حفظ شده است.

جمع بندی

سوره بروج در مورد قرآن مجید حفظ شده‌ای صحبت می‌کند که باور به آن باعث می‌شود که انسان حقایق را بپذیرد و از تذکرات قرآن بهره مند شود. از جمله تذکرات این قرآن این هست که یک خدایی وجود دارد که او را می‌بیند. آدم‌ها هم خودشان را می‌بینند ولی اگر نفهمند که خدایی هست که آن‌ها را می‌بیند، نمی‌توانند درست خودشان را ببینند. هر جایی که بخواهند ببینند می‌بینند و هر جایی هم که نخواهند، نمی‌بینند. گاهی آدم‌ها نگاه

می‌اندازند ببینند مردم چه مشکلاتی دارند ولی می‌توانند دوربینشان را بالاتر بگیرند

ولی نمی‌بینند. برای اینکه نوع نگاه افراد و اینکه شاهد، خودش هست فعال شود و اینکه چگونه خودش را ببیند تنظیم شود باید بداند که خدایی شاهد اوست و یک روز قیامت هست که آن روز قیامت منتظر آن هست و دارد او را می‌بیند، او هم می‌تواند روز قیامت را ببیند. این را می‌تواند با نگاه به آسمانی که دارای برج‌ها هست در خودش فعال کند. هم ما آسمان را می‌بینم و هم آسمان ما را می‌بیند. روز قیامت در همین جایگاه هست و بالاتر از همه این‌ها خداوند است. الله من ورائهم محیط، خداوند که آدم‌ها را احاطه کرده و از همه ابعاد آدم‌ها را می‌بیند. با سوره بروج انسان می‌توان شاهد بیرونی خودش را فعال کند تا عملکردهایش نسبت به آن تنظیم شود.

ارائه سوره به بچه‌های دبستانی

سوره بروج؛ سوره‌ای برای مشاهده خود و درک مشاهده خداوند

به برکت این سوره بچه‌ها یاد می‌گیرند که خودشان را از بیرون مشاهده کنند و به تدریج متوجه شاهد بودن خدا شوند. شاهد بیرونی که فعال شود خیلی از مشکلات افراد حل می‌شود. به راحتی می‌تواند خودش را کنترل کند، خیلی از کارها را انجام ندهد و خیلی از کارهای خوب را انجام دهد.

این را با یک سیر به بچه‌ها انتقال می‌دهیم.

- اولاً سعی می‌کنیم بچه‌ها با نظارت بیرونی مواجه شوند. ببینند که می‌شود از آن‌ها فیلم برداری و عکاسی کرد و از بیرون آن‌ها را مشاهده کرد.
- بعد یاد بگیرند این نظارت‌ها انواع مختلفی دارد: بعضی نظارت‌ها برای این هست که آن‌ها کار اشتباهی نکنند، بعضی نظارت‌ها برای این هست که پاداش و جزایی به آن‌ها داده شود و...
- کم‌کم نظارت درونی شان فعال شود و خودشان را نظارت کنند.

- بعد تمایل داشته باشند که دیگران آن‌ها را نظارت کنند و نقاط ضعف و قوتشان را به واسطه توصیف دیگران متوجه شوند.
 - بعد متوجه نظارت خدا شوند و به خاطر اینکه خدا آن‌ها را می‌بیند خیلی از کارها را انجام ندهند.
 - بعد همین توجه به نظارت خدا و دیگران باعث شود که اشکالات جمعشان را رفع کنند.
- این فرآیند مواجه شدن با نظارت بیرونی، تنوع نظارت‌ها، فعال شدن نظارت درونی، درخواست نظارت از دوستان، درک شاهد بودن خدا و اصلاح اشکالات جمعی به واسطه توجه به نظارت خدا، فرآیند آموزش سوره بروج به دانش آموزان دبستانی می‌باشد.

تدبر در سوره

در ثواب قرائت سوره از امام صادق(ع) نقل شده است هر کس سوره بروج را در نمازهای واجب خود بخواند، در محشر و موقف‌هایی که در پیش خواهد داشت، همراه با پیامبران و رسولان و صالحان خواهد بود؛ زیرا سوره بروج سوره پیامبران است.^۱

همچنین در مجمع البیان در فضیلت این سوره از پیامبر(ص) نقل کرده‌اند که هر کس سوره بروج را قرائت کند، ده برابر روزهای جمعه و روزهای عرفه‌ای که درک کرده است به او پاداش داده می‌شود.

سوره بروج شاهد بیرونی انسان را فعال می‌کند که مهم‌ترین خروجی آن تقواست. تقوایی که خیلی در قرآن و روایات به آن توصیه شده است و خداوند می‌فرماید **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ** یعنی کرامت انسان‌ها در پیشگاه الهی به مراتب تقوایشان است. در سوره‌های دیگر هم آمده که افراد به نسبت تقوایشان از آتش دور می‌شوند و رضای خدا را به دست می‌آورند و خدا از آن‌ها راضی است. یکی از عوامل مهم فعال کننده تقوا این است که شاهد

^۱ صدوق، ثواب الاعمال، ۱۳۸۲ش، ص ۱۲۲.

^۲ سوره حجرات، آیه ۱۳.

بیرونی فعال باشد یعنی بتواند خود را از بیرون ببیند. در این صورت است که می‌تواند

ببیند که خدا او را از بیرون می‌بیند. سوره بروج از این نظر مهم است و توجه به مضامین این سوره باعث می‌شود که تقوا در انسان شکوفا شود و ارتقا پیدا کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ﴿١﴾

سوره بروج با یک قسم شروع شده است؛ قسم به آسمان از این نظر که برج دارد؛ صورت‌های فلکی ستارگان اولین مصداقی هست که از بروج به ذهن می‌رسد؛ این که آسمان برج دارد یعنی اینکه شاهد و مشهود است. برج نشانه‌ای بر دیدن و دیده شدن است چون یک برج هم خودش دیده می‌شود هم می‌شود از روی آن همه جا را مشاهده کرد.

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ﴿٢﴾

قسم به روز موعود. در روایات گفته شده که روز موعود منظور قیامت است.

موعود بر وزن مفعول به معنای روز وعده شده است؛ روز قیامت. روز قیامت فاصله بین دنیا و آخرت است یعنی نقطه اتصال دنیا و آخرت است؛ یک سر قیامت، انتهای دنیاست و یک سر دیگرش، آخرت است. دنیا یک عالم زمان دار است و آخرت بی زمان است؛ وقتی چیزی بی زمان باشد، در آن حال و گذشته و آینده فرقی ندارد؛ برای همین آخرت همواره جاری است و به زمان مربوط نمی‌شود؛ الان هم هست، قبلا هم بوده و بعدا هم هست. یک وضعیت ثابتی دارد. زمان برای دنیاست. قیامت از حیث اتصالش به آخرت زمان ندارد اما از حیث اتصال به دنیا، زمان دارد و به پایان دنیا متصل است. می‌فرماید يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا، پیامبر(ص) از تو می‌پرسند

که زمان رسیدن قیامت کی هست؟ یعنی ته دنیا، وقتی کسی که در دنیا می‌میرد،

قیامت به او نزدیک است. در آیات پایانی سوره نازعات می‌فرماید از زمانی که فرد می‌میرد تا قیامت به اندازه یک صبح تا شب یا شب تا صبح می‌گذرد. طولی نمی‌کشد. روز قیامت از منظر آخرتی همین الان هم هست. اگر آدم‌ها این نگاه را داشته باشند خود را در قیامت حاضر می‌بینند. انگار قیامت اینجا ایستاده و دارد می‌گوید تو هم چند صباحی دیگر اینجا می‌آیی. قیامت را حی و حاضر می‌بینند.

وقتی یک چیز وعده خداست، از حتمی هم حتمی‌تر است. چگونه وقتی وقتی انسان یک چیزی را می‌بیند آنرا حتمی می‌پندارد، خداوند انتظار دارد که وقتی چیزی را وعده می‌دهد، اطمینان آدم‌ها به آن بیشتر از چیزی که با چشم می‌بینند باشد. روز قیامت وعده خداست و انسان مومن قیامت را می‌بیند و جلوی چشمش حاضر است.

وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ﴿٣﴾

سوگند به شاهدی و مشهودی؛ مصادیق شاهد و مشهود می‌تواند خیلی زیاد و مختلف باشد اما مفهوم شاهد و مشهود مهم است. چون یک شاهد و یک مشهود گفته شده، الزاما می‌تواند یک شاهد و مشهود خاص هم مدنظر نباشد. قسم به آنکه مشاهده می‌کند و قسم به آنکه مورد مشاهده قرار می‌گیرد.

قَتِلَ اصْحَابُ الْأَخْدُودِ ﴿٤﴾

به این‌ها قسم خورده که مرگ بر اصحاب اخدود، نفرین بر اصحاب اخدود. هم نشینان چاله، هم نشینان گودال. اخدود، گودال‌هایی که مستطیل شکل برای مثلا مانند آنچه برای لوله کشی می‌کنند، است.

النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ ﴿٥﴾

کدام گودال؟ همان آتش هیزم دار خیلی بزرگ. در تفسیر می‌گویند نار بدل از اخدود است. یعنی گودال همان آتش است یعنی اصحاب اخدود، همان اصحاب آتش هستند.

اذ یعنی آن هنگام که آن‌ها بر آن آتش، مشرف به گودال نشسته بودند.

وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ﴿٧﴾

و به آنچه بر سر مومنان می‌آوردند خودشان شاهد بودند؛ هم مومنین را که در حال سوختن بودند می‌دیدند، هم ما یفعلون، آنچه را که انجام می‌دادند، مشاهده می‌کردند.

شاهد داشتن موضوع بسیار مهمی است؛ در سوره ق هم به نوع دیگری به این موضوع پرداخته شده است. کلا دیدن موضوع بسیار مهمی است. انسان‌ها شاهدهی دارند که در سنین پایین فعال نیست؛ کم کم از سنین نه و ده سالگی فعال می‌شود و انسان‌ها می‌توانند خودشان را از بیرون ببینند. بچه‌ها نمی‌توانند خود را از بیرون ببینند، از درون می‌توانند خودشان را ببینند. انسان باید بتواند ببیند که دیگران چگونه او را می‌بینند. شاهد که فعال می‌شود، باید مدیریت شود. خود را تحت رویت خداوند ببیند. وقتی انسان خود را از زاویه نگاه خدا، نگاه کند، شاهد بیرونی اش خیلی اوج بگیرد. می‌تواند برود از آن بالا بالاها خودش را ببیند. حتی به برکت قرآن می‌تواند خودش را از منظر روز قیامت ببیند. از توصیفات که در آیات در مورد حال افراد در قیامت گفته شده، انسان می‌تواند حال خودش را در قیامت ببیند. مثلا آیه پایانی سوره نبا، **إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا،** ما شما را از عذابی نزدیک هشدار دادیم، فکر نکنید حالا دور است. کی دیده و کی گفته، روزی که هر کسی آنچه را با دست خودش پیش فرستاده است، می‌بیند و نظاره می‌کند و کافر گوید کاش من خاک بودم، آدم باید از این زاویه خودش را نگاه کند. در سوره مدثر می‌فرماید: **عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٤١﴾ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿٤٢﴾** از مجرمین می‌پرسند چه چیز شما را به جهنم انداخت. **قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾ وَلَمْ نَكُ نَطْعِمُ الْمِسْكِينَ ﴿٤٤﴾ وَكُنَّا نَحْوُ مَعَ الْخَائِضِينَ ﴿٤٥﴾** می‌گویند ما نماز گزار نبودیم، ما مسکین اطعام نمی‌کردیم. با اهل باطل کارهای بی ثمر می‌کردیم، **وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿٤٦﴾** یوم الدین را در گفتار یا در عمل تکذیب می‌کردیم.

وقتی انسان روز قیامت را در نظر نگیرد، شاهد بودن قیامت برایش مشهود نباشد چنین وضعیتی دارد. شاهد بیرونی می‌تواند انسان را ارتقا دهد.

اگر شاهد بیرونی انسان مدیریت نشود، و اینکه خدا آدم را می‌بیند در انسان فعال نشود، انسان هر وقت بخواهد شاهدش را فعال می‌کند و هر بار بخواهد فعال نمی‌کند به همین دلیل ممکن است تقوا را رعایت نکند. می‌بیند که در معامله دارد چه کار اشتباهی انجام می‌دهد ولی از بالاتر خود را نمی‌بیند. من می‌بینم که دارم اذیت می‌شوم ولی نمی‌خواهم ببینم که خیلی‌های دیگر هم دارند اذیت می‌شوند. یا اگر دوربین را بالاتر ببرم می‌بینم که اصلاً این اذیت نیست، خیلی هم زندگی خوشی هست. آدم باید دوربینش را مدیریت کند.

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٨﴾

نقمو یعنی نفرت داشتند، کراهت داشتند. آن‌ها از مومنین بدشان نمی‌آمد مگر به خاطر اینکه این‌ها به خدا ایمان داشتند، به خدای عزیز حمید ایمان داشتند. این خیلی مهم است. خدایی را ایمان داشتند که عزت دارد، شکست ناپذیر است. خیلی مهم است که آدم خدا را عزیز بداند. ما گاهی فکر می‌کنیم خدا زورش به بعضی چیزها نمی‌رسد. عزیز بودن خدا به معنای غلبه خدا بر هر چیز است و حمید بودن خدا به معنای ستودنی بودن خداست؛ یعنی خدا به به دارد، خدا آفرین دارد. خدا شایسته شایسته است. همه کارهایی که می‌کند، سبحان الله، الحمد لله دارد. گاهی ممکن است ما حمید بودن خدا را درک نکنیم و از دست خدا لجمان بگیرد، به خدا بگوییم چرا همچین می‌کنی؟

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٩﴾

کسی که فرمانروایی همه آسمان و زمین به دست اوست.

برخی ممکن است از این جمله لجشان بگیرد و بگویند: "عه راست می‌گی؟ الان

می‌زنم می‌کشمت ببینم خدا چه جوری می‌خواد تو رو نجات بده." انسان باید اینطوری فکر کند که خیلی جاها ممکن بوده که اتفاق بد برای من بیافتد و خداوند مانع شده و اگر خدا اینجا مانع نشود یعنی همین به صلاح من بوده است. این خدایی که اینجا اراده کرده است که این اتفاق ناخوشایند برای من بیافتد همان خدایی هست که خیلی جاها اراده کرده که اتفاقات ناخوشایند برایم نیافتد پس حتما خیر من در همین است. انسان باید حسن ظن به خدا داشته باشد. و خداوندی که بر همه چیز شهید است و بر همه چیز نظاره دارد. یک شهود ذاتی و عمیق دارد.

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ﴿١٠﴾

فتنه یعنی کاری که باعث شود اختلال و اضطراب بوجود بیاید. کسانی که مومنین و مومنات را دچار فتنه و اختلال و اضطراب می‌کنند، و برای این کار اقدام کنند. مثلا همین مدلی که گفته شد می‌گویند: "عه به خدا ایمان داری بگذار من کاری می‌کنم ببینم باز هم به خدا اعتماد داری یا نه" او این کار را می‌کند که اختلال ایجاد کند حالا فرد یا اعتمادش کم می‌شود یا نمی‌شود. این افراد جهنمی هستند مگر اینکه توبه کنند. راه بازگشت به سوی خدا باز است.

جهنم به جای بد و ناراحت کننده می‌گویند. به معنای جایی است که زشت و کربه و تنگ و سخت است.

عذاب حریق به معنای جایی است که انسان را می‌سوزاند. یعنی کسانی که مومنین را دچار فتنه کنند خودشان از درون می‌سوزند، در دنیا و بالخصوص در آخرت.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ﴿١١﴾

کسانی که ایمان آوردند یعنی به واسطه باور به این حقایق اطمینان پیدا کردند. در

سوره بقره می‌فرماید: الم ﴿۱﴾ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۲﴾ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۳﴾ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾ اولین ویژگی متقین که باعث می‌شود از هدایت کتاب بهره مند شوند، ایمان به غیب است یعنی اطمینانشان به چیزهای شهودی و مشهود نیست. ایمان به غیب دارند. در آخر سوره بقره هم می‌فرماید: آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿۲۸۵﴾ رسول به آنچه خدا به او نازل کرد ایمان آورد، مومنان هم همینطور. این‌ها آن چیزهایی هست که باید به آن‌ها ایمان داشته باشیم: الله، ملائکه و کتب و رسل. ایمان باعث احساس امنیت می‌شود. در درجات بالاتر ایمان، افراد برای دیگران احساس امنیت ایجاد می‌کند. خداوند توقع دارد که این احساس امنیت را از غیب کسب کند. یعنی من اینجا نشستم احساس امنیتم نه به خاطر این دیوار، پلیس در خیابان باشد، به خاطر اینکه خدا و نظام ملائکه هست باید احساس امنیت داشته باشم. ایمان یعنی خاطر جمعی و اتکا به حقایق.

کسانی که ایمان آوردند و کارهای اصلاح کننده و جلوگیری کننده از فساد انجام دادند، یعنی هم باور اطمینان بخشی به حقایق داشتند و هم برای پیاده کردن حقایق و جلوگیری از فساد و رواج صلاح، اقدام عملی انجام می‌دهند، برای آن‌ها بهشت‌هایی هست که روده‌ها از زیر آن روان است. فکر نکنید که این باغ در فرح زاد است. نه، آن پیروزی بزرگ است که مال این‌هاست.

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿۱۲﴾

سپس می‌فرماید بطش پروردگار تو شدید است؛ خدا اگر بخواهد برخورد کند، تند برخورد می‌کند. می‌تواند فرد را به نابودی بکشد. بطش به معنای حمله و غلبه و قهر است؛ آیه می‌فرماید غلبه و قهر پروردگار تو شدید است.

إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ ﴿۱۳﴾

اوست که ایجاد می‌کند و باز می‌گرداند. چرخه ابداء و اعاده را اوست که مدیریت می‌کند یعنی چرخه ساز است؛ می‌سازد و خلق می‌کند و برمی‌گرداند.

وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ﴿١٤﴾

همین خدایی که بطشش شدید است، اوست غفور وود است؛ آمرزنده مهربان است یعنی تمایل دارد، دوستتان دارد.

غفور از غفر به معنای محو اثر است؛ خداوند اثر بد اعمال را محو می‌کند و این کار را بسیار انجام می‌دهد؛ غفور بر وزن فاعول، دارای تاکید و شدت است؛ کار خرابی کردی، از خدا طلب کن، استغفار کن، بدان که خدا مغفرت را شامل حالت می‌کند و می‌تواند آثار بد به جا مانده از کارهایت را محو کند.

ودود نیز از ودّ به معنای محبت و تمایل به چیزی است؛ تمایل، میل و محبت خداوند نیز بسیار زیاد است؛ یعنی رحمتش را بسیار زیاد شامل حال مخلوقاتش می‌کند.

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ﴿١٥﴾

این همان خدایی است که صاحب عرش است، یعنی محل اداره عالم، محیطش فیزیکی نیست یعنی مقام اداره عالم برای اوست و اجزای عالم را اداره می‌کند و مجید است، عظمت دارد.

فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٦﴾

و هر کاری را که بخواهد به فعلیت می‌رساند و انجام می‌دهد. هرچه شد یعنی خدا اراده کرده است که بیافتد. وقتی چیزی می‌افتد و نمی‌شکند یعنی اراده خدا این بوده که بیفتد و نشکند.

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ﴿١٧﴾ فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ﴿١٨﴾

قسمت آخر آیات در مورد قدرت‌های نظامی صحبت می‌کند. جنود یعنی قدرت نظامی. فرعون و ثمود قدرت‌های نظامی بزرگی داشتند. عاقبتشان چه شد؟

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ﴿١٩﴾

کسانی که بخواهند روی حقایق سرپوش بگذارند، فی تکذیب یعنی داخل در تکذیب هستند و نمی‌خواهند بیرون بیایند. فقط می‌خواهند بگویند نه نه نه. رد می‌کنند.

وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ﴿٢٠﴾

در حالیکه خدا آن‌ها را از بیرون احاطه کرده است.

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ ﴿٢١﴾

و قرآنی مجید، بزرگ، دارای وسعت و دارای علو فرستاده است که:

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ﴿٢٢﴾

در لوح محفوظ قرار دارد. حقایقش محفوظ است، به آن خدشه‌ای وارد نمی‌شود، کسی نگران نباشد که به قرآن آسیب می‌رسد. باور به قرآن باعث می‌شود که نجات پیدا کند ولی عدم باور به آن باعث می‌شود که آدم‌ها از تکذیبشان بیرون نیایند.

سوالات

➡ اشاره به لوح محفوظ به جایگاه خاصی در عالم اشاره دارد یا منظور حفظ حقایق قرآن توسط خداوند

است؟

اگر به جایگاه خاص در عالم هم اشاره داشته باشد آن جایگاه فیزیکی نیست و یک

مقام خاص است و آن مقام خاص، بیشتر آن چیزی که به ذهن ما نزدیک است، حفظ حقایق توسط خدا است ولی علاوه بر اینکه خدا حقایق را حفظ می‌کند این حقایق در یک مرتبه‌ای محفوظ اند. و این حقایق بعدا جاری می‌شوند، نازل می‌شوند و در عالم دنیا بصورت تفصیل یافته‌ای می‌آیند و ما با آن‌ها در زندگی‌مان مواجه می‌شویم.

✚ در آیات سوره‌های مختلف فوز عظیم معنای متفاوت دارد آیا با هم فرق دارند؟

مصادیق مختلفی از فوز عظیم گفته شده ولی همه شان مربوط به همان بهشت است. یعنی در واقع آن جایگاه رفیعی که از زوایای مختلف متناسب با غرضی که سوره داشته در جاهای مختلف به آن نگاه شده است.

✚ راهکار سوره برای شاهددار شدن چیست؟ دیدن آسمان و خواندن قرآن را عوامل اصلی شهید شدن می‌شود

دانست؟

دیدن آسمان خیلی خوب است. شاهد مفهومی است که کم‌کم در انسان فعال می‌شود. از سن ۹،۱۰ سالگی در انسان فعال می‌شود که باید مدیریت شود. راهکار سوره این است که بدانیم خدا ما را می‌بیند. راهکار اصلی از خود سوره چیزی که به نظر می‌آید یکی توجه به آسمان و روز قیامت است. یعنی اگر یک وعده نهایی را انسان مدنظر داشته باشد یعنی روز قیامت را و به آسمان نگاه کند. شاهدش فعال می‌شود و اینکه بدانند والله علی کل شیء شهید .

کاری که برای بچه‌ها می‌کنیم این است که، اینکه بچه‌ها دیده می‌شوند را به آن‌ها نشان می‌دهیم. اینکه از بچه‌ها فیلمبرداری یا عکس برداری شود خیلی برایشان آموزنده است. اینطور که وقتی فیلم بچگی‌اش یا کلا فیلمش را نشان می‌دهید از آن به بعد رفتارش را بیشتر مدیریت خواهد کرد.

بالاترین نعمتی که در بهشت مطرح هست نعمت رضایت خداست. با جستجو در نرم افزار جامع التفاسیر می‌توانیم این کلمات را جستجو کنیم. ریشه کلمه فوز در قرآن ۲۹ بار آمده به اضافه ریشه عظمت.

البته سوره بروج فوز کبیر را می‌گوید. آیه ۷۲ سوره توبه می‌گوید خدا به همه مومنین

و مومنات بهشت‌هایی را که از زیرشان رودها روان است وعده داده است و در آن جاودانه‌اند. و خانه‌ها محل‌های سکونت اند که طیب و پاک است. بهشت‌های عدن و رضایت خدا از سوی خدا از همه بزرگتر است، این بهشت و خانه‌ها و رضایت خدا کلا فوز عظیم هستند ولی از همه بزرگتر رضایت خداست. می‌شود فکر کرد که اینجا هم که می‌گوید فوز کبیر به رضایت خدا در جنات عظیم تحت الانهار اشاره می‌کند. این روش، روش قرآن به قرآن است. بطور کلی این بهشت‌هایی که از زیرشان رودها روان است که در قرآن زیاد گفته شده است، نعمت خیلی عجیبی است و ساده نیست، جا دارد انسان روی این‌ها تامل کند و ذکر را در خودش فعال کند.

اینکه در سن ۹، ۱۰ سالگی، شاهد بیرونی در انسان فعال می‌شود به این ربط دارد که مخصوصا دخترها به زینت و لباس‌های زیبا پوشیدن و مو بیرون گذاشتن و دیده شدن رغبت پیدا می‌کنند؟ چطور مدیریتشان کنیم؟

به نظر می‌آید که بی ربط نیست و مدیریت کردنش اینطوری است که باید آن‌ها را متوجه رویت خدا کرد. آخرش باید بفهمند که خدا هم آن‌ها را می‌بیند. منتها قبل از این چیزی که بنظر می‌آید این است که باید دانش آموزان با بعضی اصول آشنا شوند. خوب و بد را درک کنند و مثل سوره لیل که کارهای بد برایشان سخت و کارهای خوب برایشان آسان شود.

قوانین را درک کنند. خود اینکه خدا گفته دلیل کافی برای انجام دادنش است. مفاهیم دیگر را باید بفهمند و درک کنند. وقتی می‌توانند خودشان را از بیرون نگاه کنند بتوانند از زاویه درستی نگاه کنند یعنی از زاویه حق به خود نگاه کنند.

حتی راجع به خانم‌های بزرگتر هم همینطور است. دیدن خدا که هیچ، فکر می‌کنم که خیلی از خانم‌های جوان اگر بدانند که حتی آقایان هم چگونه به آن‌ها نگاه می‌کنند در رفتارشان تاثیر می‌گذارد. زاویه نگاه افراد ناسالم را

هم نسبت به خودشان بدانند در رفتارشان تاثیر می‌گذارد، چه برسد به اینکه بدانند که ملائکه آن‌ها را چگونه می‌بینند.

اهداف تربیتی سوره بروج برای شش پایه دبستان

سوره بروج، سوره‌ای برای مشاهده خود و درک شاهد بودن خداست.

پایه اول

مواجهه با انواع نظارت بیرونی مانند عکاسی و فیلمبرداری

باید بچه‌ها با نظارت بیرونی مواجه باشند. انواع فعالیت‌هایی که بچه‌ها را با نظارت بیرونی مواجه کند.

بچه‌ها ببینند که دیده می‌شوند. یکی از کارهای خیلی جالب عکس و فیلم گرفتن از آن‌هاست.

قصه‌هایی که دیدن شدن افراد مورد توجه است. دوربین‌های مداربسته. ما برای بچه‌ها در مورد گوناگونی و تنوع نظارت‌های بیرونی هیچ توضیحی لازم نیست بدهیم فقط آن‌ها را با انواع نظارت بیرونی مواجه می‌کنیم. با بازی، داستان، دیدن قطعه‌های فیلم و...

پایه دوم

آشنا شدن با تنوع نظارت از نظر پاداش و جزا

در پایه دوم شبیه پایه اول اتفاق می‌افتد. یعنی آن‌ها را با انواع نظارت مواجه می‌کنیم ولی در مورد انواع نظارت به آن‌ها می‌گوییم. یعنی توجهشان را به این موضوع که مدل این‌ها باهم فرق می‌کند، جلب می‌کنیم. اینکه فرق دارد چه کسی انسان را می‌بیند و چرا نظارت دارد.

بعضی‌ها مهم نیست که انسان را ببینند اما بعضی‌ها دیدنشان مهم است.

بعضی‌ها فقط نظارت می‌کنند تا مشکلی برای انسان پیش نیاید. یعنی نظارت‌هاییست که به انسان کمک می‌کنند که دچار خطا و اشتباهی نشود. بعضی نظارت‌ها برای این است که به انسان پاداش داده شود و یا تنبیه شود. فیلم کوتاه در قالب بازی، فعالیت را می‌شود به بچه‌ها نشان داد.

برای اینکه نظارت را ببینند به بچه‌ها می‌گوییم که ما از بیرون هم دیده می‌شویم، سوره بروج در مورد دیدن شدن از بیرون صحبت می‌کند. حالا اگر اشاره هم شد که خدا ما را می‌بیند اشکالی ندارد ولی خیلی روی موضوع نمی‌مانیم ولی خب چون بچه‌ها اسم خدا را شنیده‌اند ممکن است خودشان بگویند که مثل خدا که ما را می‌بیند ولی ما روی این موضوع نمی‌مانیم. آنجایی که القا و اشارات موثر می‌توانیم داشته باشیم، اشاره می‌کنیم.

پایه سوم

فعال شدن نظارت درونی

در پایه سوم بچه‌ها باید وارد اقدام عملی شوند و از طرفی سالی است که بچه‌ها برای اینکه کاری کنند باید احکام را بدانند. منظورم احکام شرعی نیست. بایدها و نبایدها و قوانین اولیه در حدی که بتوانند کاری را انجام دهند. در این پایه ضمن اینکه بچه‌ها ببینند که نظارت بیرونی هست با دیدن این نظارت‌های بیرونی، نظارت درونی شان فعال شود یعنی خودشان، خودشان را ببینند و به کارهای خودشان توجه کنند. با همین مدل‌های مربوط به پایه‌های اول و دوم یعنی توجه کردن به نظارت‌های بیرونی. با قرار گرفتن در معرض اینکه از بیرون بعضی‌ها آن‌ها را می‌بینند مثل عکاسی و فیلم برداری.

در مورد قیامت نباید صحبتی کنیم. بچه‌ها هم صحبت کردند، تایید می‌کنیم ولی چون در سطح درک آن‌ها نیست بصورت جدی نمی‌پردازیم ولی چون پایه سوم است شاید این مسائل برایشان قابل درک تر باشد در حدی که حس می‌کنیم قابل درک است برایشان می‌گوییم.

مثلا کاری را انجام می‌دهند و می‌گوییم که مراقبی ندارید. البته باید مراقب باشد اما بچه‌ها ندانند. سپس به آن‌ها بگوییم هرکس باید مراقب خودش باشد و دقت کند که چه کار کرده است.

مثلا انشاء بنویسند با موضوع خودتان را از بیرون توصیف کنید. کارهای خودتان را ببینید و توصیف کنید

پایه چهارم

درخواست نظارت و مشاهده نقاط قوت و ضعف خود از نگاه دیگران به خصوص دوستان

این فرایند اگر ادامه پیدا کند در پایه چهارم به این مرحله می‌رسند که می‌توانیم به آن‌ها بگوییم من کاری را انجام می‌دهم و تو از من فیلم بگیر. این کار خودش شروعی است برای هدف پایه چهارم.

یعنی بچه‌ها درخواست نظارت و مشاهده از دیگران بخصوص دوستانشان داشته باشند.

باید در پایه چهارم بچه‌ها از دوستانشان بخواهند که آن‌ها را ببینند. البته این باید مدیریت شود که بچه‌ها نقاط ضعف همدیگر را نگویند. قبلش باید سوره همزه خوانده باشیم که سرزنش نکردن را بچه‌ها بدانند. نباید به اصطلاح حال همدیگر را بگیرند.

به نحوی باشد که بچه‌ها به واسطه توصیفاتی که در موردشان می‌شود، خودشان به نقطه ضعفشان پی ببرند. خیلی شرایط امن و ملایمی باشد.

در نهایت باید ترغیب شوند نسبت به اینکه از بقیه بخواهند آن‌ها را نظارت و توصیف کنند.

این‌ها خیلی در ادامه همدیگر است. یعنی اول باید نظارت بیرونی را بفهمند بعد در

خودشان نظارت فعال شود و بتوانند خودشان را از بیرون ببینند، برای اینکه خودشان را بهتر بتوانند از بیرون ببینند از دیگران بخواهند که آن‌ها را ببینند و توصیفشان کنند. یعنی نقاط قوت و ضعفشان را از نگاه دوستانشان بتوانند بفهمند.

پایه پنجم

ترک آزار و اذیت دیگران به دلیل شاهد بودن خداوند

جایی که بطور مشخص و واضح اشاره به اینکه خدا دارد ما را می‌بیند می‌کنیم، در پایه پنجم است. البته در پایه‌های قبلی یعنی پایه سوم به بعد هم اشاره می‌تواند شود بخصوص اگر خود بچه‌ها بگویند. ولی در پایه پنجم مشخصا به خود خدا می‌پردازیم منتها با این فرایند.

نکته‌ای که قبلا هم عرض کردم این که ما در هر پایه‌ای که درس می‌دهیم در صورتی کامل مفید است که از اهداف پایه‌های قبل استفاده کنیم. مثلا می‌خواهیم ارتباط سوره با کتاب‌های درسی ببینیم، می‌توانیم از اهداف پایه‌های قبل استفاده کنیم. برای طراحی فعالیت هم اگر فعالیت در سطح بچه‌ها باشد و به نظرشان بچه گانه نیاید می‌توانیم از اهداف پایه‌های قبلی استفاده کنیم. استفاده از اهداف پایه‌های قبل مجاز و مفید است.

مثلا اگر بخواهیم از هدف پایه پنجم استفاده کنیم اینکه ماکسی را اذیت نمی‌کنیم چرا که خدا ما را می‌بیند این را اول اینکه کسی ما را از بیرون می‌بیند و خودمان هم می‌توانیم از بیرون خودمان را ببینیم و از دوستانمان بخواهیم که ما را از بیرون ببینند که ما چگونه هستیم آن وقت باید به اینجا برسد که دوستانمان که هیچ خدا هم دارد ما را می‌بیند و کامل شاهد ماست و ما را از بیرون و درون می‌بیند و باید مراقب رفتارهایمان باشیم.

در پایه پنجم سوره بروج به ما یاد می‌دهد که خدا ما را می‌بیند با توجه به آیه ولله علی کل شیء شهید. یعنی خدا شاهد همه چیز هست و خدا دارد ما را می‌بیند و باید مراقبت کنیم.

بهتر است داستان اصحاب اخلود را خیلی با جزئیات برایشان تعریف نکنیم چرا که هم

برای روحیه آنها خوب نیست هم اینکه شبهه برایشان ممکن است ایجاد کند. ولی می‌گوییم که در سوره بروج در مورد این می‌گوید که اگر انسان‌ها بدانند که خدا آنها را می‌بیند دیگر حاضر نیستند کسی را اذیت کنند چون خدا دوست ندارد که انسان کسی را اذیت کند.

همین که بدانند خدا آنها را می‌بیند و خوشش هم نمی‌آید از آزار کسی باعث می‌شود دست از آزار دیگران بردارند. ارزیابی در پایه پنجم اینگونه هست که باید ببینیم اگر دانش آموزان کمتر همدیگر را اذیت می‌کنند یعنی سوره بروج را یاد گرفته‌اند.

پایه ششم

شناسایی و برطرف کردن اشکالات جمع به دلیل شاهد بودن خداوند و دیگران

برای تدریس سوره بروج در پایه ششم هم همین فرایند است. از بچه‌های ششم اگر ظرفیتش را داشته باشند توقع بیشتر هم داریم و اگر نداشته باشند تا همین مقدار که برای پایه پنجم گفتیم کافیست.

اگر ظرفیتش بود سیری که سوره دارد را برایشان بگوییم حالا به طور مشخص در پایه ششم چون می‌دانند که خدا آنها را می‌بیند سعی کنند اشکالاتشان بصورت جمعی را برطرف کنند.

می‌گوییم که می‌دانیم که خدا می‌بیند حالا بروید به گروه خود و ببینید که چه اشکالاتی هست. خوب حالا که خدا می‌بیند نباید اشکالی داشته باشیم، پس سعی کنیم که اشکالات جمع خود را برطرف کنیم.

در هر حال باید مطالب پایه‌های قبل مدنظرمان باشد.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم